

## جهانی شدن؛ چالش امت واحده اسلامی

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تأیید: ۱۴۰۲/۳/۲۰  
عاطفه خرمی آرانی\*  
و حسین جوان آراسته\*\* و وحید نکونام\*\*\*

### چکیده

جهانی شدن واقعیت جهان امروز ماست که ابعاد گسترده‌ای؛ اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... را شامل می‌شود و می‌تواند به یک‌سان‌سازی جوامع گوناگون در این حوزه‌ها منجر شود. این روند، اگر همراه با استیلای قدرت‌های برتر جهانی (اروپایی و آمریکا) باشد، خواه ناخواه اتفاقی در تقابل با روند اتحاد مسلمانان بر اساس اشتراکات مذهبی خواهد بود. این مقاله در مقام پاسخ به این پرسش است که فرآیند جهانی شدن - که همراه با استیلای نظام سرمایه‌داری و قدرت‌های برتر جهانی می‌باشد - چه چالش‌هایی را می‌تواند در جهان اسلام ایجاد کند و نسبت آن با شکل‌گیری امت واحده اسلامی چیست و برای برون‌رفت از این چالش‌ها چه راه‌کارهایی پیشنهاد می‌شود. یافته‌های این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای انجام شده نشان می‌دهد جهانی‌سازی که در صدد هضم فرهنگ‌های بومی و دینی و مستولی نمودن یک فرهنگ واحد غربی بر کل دنیا است، قطعاً نمی‌تواند شکل‌گیری اجتماع منسجمی از بخش قابل توجهی از جمعیت جهان به نام مسلمانان را برپا کند و این امر طبیعتاً به عنوان یک تهدید در مسیر تحقق «امت واحده» تلقی می‌شود و البته برای گذار از آن نیز راه‌کارهای قابل تأملی وجود دارد؛ چون تقویت فرهنگ اسلامی و افزایش هم‌کاری بین دولت‌ها و جوامع اسلامی، پرهیز از اختلافات مذهبی و کنش‌گری فعال رسانه‌ای جوامع اسلامی در عرصه جهانی و... .

### واژگان کلیدی

جهانی شدن، جهانی‌سازی، امت واحده، وحدت اسلامی، جهان اسلام

\* دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم: atefkhorami@yahoo.com  
\*\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: hoarasteh@gmail.com  
\*\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه حضرت معصومه 3: vahid.nekoonam@gmail.com

## مقدمه

عصر جدیدی که ما در آن به سر می‌بریم، شاهد یکی از قدرت‌مندترین و پردامنه‌ترین رخداد‌های تاریخ بشریت؛ یعنی «جهانی‌شدن» است؛ این پدیده حوزه‌های مختلف و متنوعی از حیات جوامع انسانی (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی) را در بر گرفته و موجب دگرگونی‌های بسیاری در مرزهای هویتی و حتی جغرافیایی زندگی بشر شده است. یکی از آثار «جهانی‌شدن» یا در معنای استعماری آن «جهانی‌سازی» می‌تواند یک‌پارچه‌سازی فرهنگی و به بیان دیگر، استیلای فرهنگ غربی بر سایر فرهنگ‌های بشری باشد. چنین فرهنگی که خود دعوی جهانی‌شدن را دارد و ابزارهای فراوانی را نیز برای تحقق این امر در اختیار دارد، از جمله قدرت اقتصادی، نظامی و رسانه‌ای، تاب تحمل تشکیل اجتماعات منسجم و مستحکم دیگری حول مشترکات مذهبی و اعتقادی را در مقابل خود ندارد.

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از آرمان‌های اصیل اسلامی که در قرآن کریم و منابع روایی به آن پرداخته شده تشکیل امت واحده اسلامی، حول عقاید و آموزه‌های مشترک دینی با هدف تبدیل کردن مسلمانان به ید واحده شکست‌ناپذیر و غیر قابل نفوذ است که بتواند از حقوق و منافع مسلمانان در برابر انواع تهاجمات فکری، اقتصادی، نظامی و... حمایت نماید. ایجاد جامعه جهانی با محوریت فرهنگ غیر دینی و یا ضد دینی غربی و نمادها و آموزه‌های وارداتی خاص این فرهنگ، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این خصوص می‌باشد. فرآیند جهانی‌شدن از یک سو و آموزه دینی حرکت به سوی تشکیل امت واحده از سوی دیگر، به طور طبیعی؛ هم در جوامع اسلامی و هم در جوامع غربی، واکنش‌ها و چالش‌هایی را به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر اهمیت و حساسیت موضوع به دلیل تحولات ناشی از انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در جهان اسلام، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

این مقاله در صدد آن است که آثار و پیامدهای فرآیند «جهانی‌شدن» بر «حرکت به سوی ایجاد امت واحده اسلامی» را بررسی و تحلیل نماید و برای برون‌رفت از چالش‌های مورد نظر، راه‌کارهایی را ارائه کند.

## مفاهیم

قبل از ورود به موضوع اصلی بحث و بررسی جنبه‌های مختلف آن و تأثیراتی که موضوع جهانی شدن بر روند تشکیل امت واحده اسلامی دارد، لازم است با مفاهیم اصلی مرتبط با این مبحث آشنا شویم و تفاوت واژه‌های مشابه هم‌چون «جهانی شدن» و «جهانی سازی» را بیان نماییم.

## جهانی شدن

واژه Globalization را گاهی به معنای جهانی شدن و گاهی به معنای جهانی سازی ترجمه می‌کنند که البته با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح، هم‌معنا جلوه کنند؛ حال آن‌که متفاوتند (علی‌دادی، ۱۳۹۰، ش ۱۵۵، ص ۸۶).

جهانی شدن، افزایش وابستگی متقابل میان مردمان، مناطق و کشورهای مختلف جهان، همراه با گسترش مناسبات اقتصادی و اجتماعی در پهنه گیتی [است] (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۹۹۸).

گیدنز با بینشی کانتی معتقد است که عدالت، ذاتی جهانی شدن است و تنها می‌توان از طریق ایجاد یک جامعه جهانی به آن دست یافت (آب‌نیک، ۱۳۹۸، ش ۲۵، ص ۱۸۳). جهانی شدن فرآیندی اجتماعی است که از مدت‌ها پیش آغاز شد و رو به گسترش است و در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود. از نظر آنان واژه جهانی شدن حرکت به سوی یک جامعه جهانی واحد را نوید می‌دهد (آذری‌نژاد، ۱۳۸۴، ش ۶۸، ص ۱۰۵).

از دیدگاه رابرتسون، نظریه پرداز معروف این حوزه نیز:

جهانی شدن به طور مشخص به معنای تحولاتی است که ساختار جدیدی را در دنیای کنونی حاکم می‌گرداند و ساختمان جدیدی را بر جهان به عنوان یک کل و یک مجموعه به هم پیوسته حاکم می‌سازد. جهانی شدن ساخت‌بندی جدیدی است که جهان را به صورت یک کلیت واحد در می‌آورد و تمامی اجزای آن را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (سلیمی، [rasekhoon.net](http://rasekhoon.net)).

توسعه روزافزون ارتباطات الکترونیکی و گسترش دامنه استفاده از اینترنت در دهه‌های اخیر، بی شک کمک چشم‌گیری به رشد و توسعه مقوله جهانی شدن کرده است. در طی فرآیند جهانی شدن، سیر آزاد اندیشه و کالا و خدمات و سرمایه و حتی انسان در جهان میسر می‌گردد. پایان جنگ سرد را می‌توان بستر مناسبی برای طرح گفتمان جهانی شدن دانست. والرشتاین، نظریه پرداز صاحب‌نام دیگر در این حوزه نیز عقیده دارد که جهانی شدن یک پدیده نظامند جهانی می‌باشد و از ویژگی‌های جامعه جهانی به هم پیوستگی رو به افزایشی است که در مقیاسی فراتر از روابط افراد یا گروه‌های کوچک دیده می‌شود و تعامل‌ها در مقیاس ارتباطات میان جهانی در جریان است (آب‌نیک، ۱۳۹۸، ش ۲۵، ص ۱۹۴). به عبارت دیگر:

جهانی شدن؛ یعنی هر نهاد، فرد، دولت و حکومتی با توجه به شرایطی که پیش می‌آید، آمادگی تغییر؛ چه به لحاظ روانی و روحی و چه به لحاظ فکری و عقلانی در خودش ببیند (سریع‌القلم، ۱۳۹۰، ش ۲۶۲، ص ۳۷).  
پس به نوعی با این نگاه، جهانی شدن مستلزم یک تغییر دائمی در تمامی عرصه‌هاست؛ همان پدیده اجتماعی نوظهوری که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته و به تعبیری:

به عنوان یک فرآیند، خواهان تشکیل جامعه مدنی منطبق با عصر اطلاعات می‌باشد...؛ اگرچه پروسه جهانی شدن هیچ تعهدی به هیچ مکتبی ندارد، ولی این پدیده جدید فراروی جوامع، خواهان انتقال و تحرک جوامع از سنت به مدرن و پسامدرن می‌باشد (زارعی، ۱۳۸۲، ص ۶۵).

و بدون تردید می‌تواند تمام حوزه‌های زندگی بشر را در نوردد و مجموعه جدیدی را ایجاد نماید.

از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و کم شدن فاصله‌ها وجه مشترک دیدگاه‌های مختلف در مورد جهانی شدن است و این اتفاق نظر وجود دارد که پیشرفت و ارتباطات و فناوری‌های اطلاع‌رسانی عامل مهم در شکل‌گیری این پدیده فراگیر است (کاظمی‌زاد، ۱۳۹۱، ش ۸۴، ص ۳۱).

جهانی‌شدن، فرآیندی است که در آن، نه تنها مرزهای جغرافیایی از میان رفته و حاکمیت ملی در معرض نیروهای فراملی رنگ می‌بازد، بلکه حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نیز در هم تداخل یافته و در یک مجموعه جهانی ادغام می‌شوند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰، ش ۲۶۲، ص ۱۹).

طی تاریخ، عوامل مختلفی جهان را به سوی یگانه‌شدن به پیش برده‌اند و جهان به شیوه‌های متفاوتی «ممکن بود» یگانه شود. ادیان بزرگ، امپراطوری‌ها، اتحاد ملت‌ها، سلطه جهانی شرکتی فراملیتی، غلبه پرولتاریای جهانی و قالب‌های دیگر هر یک «ممکن بود» جهان را به مکان واحد تبدیل کند. از قرن پانزدهم به این سو، چیزی که در میان دانشوران غرب به «تحول بزرگ» معروف شده است، تحولی که جامعه فئودالی اروپا را به سوی جامعه سرمایه‌داری سوق داد، نیروی پویایی عمده جهان است. اما این نیرو هر روز کم‌تر از پیش هم‌چون نیرویی کور عمل می‌کند... به بیان ساده‌تر، جهانی‌شدن را هر روز بیش‌تر باید در قالب نظریه اراده‌گرایانه (در مقابل جبرگرایانه) توضیح داد (رابرتسون، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

آری! آن‌گونه که از نظریات صاحب‌نظران متعدد در این حوزه بر می‌آید، «جهانی‌شدن» فرآیندی است اجتناب‌ناپذیر که در سطوح و قلمروهای مختلف امکان بروز و ظهور دارد و موجب نوعی درهم‌تنیدگی و پیوستگی بافت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و حتی جغرافیایی کشورهای مختلف می‌شود؛ یعنی دقیقاً پدیده‌ای چندبعدی و گسترده است.

### جهانی‌سازی

اگرچه «جهانی‌سازی» را گاهی معادل «جهانی‌شدن» هم می‌دانند، اما دو مفهوم، متفاوت بوده و این مسأله سبب ایجاد بحث‌هایی گردیده است. یک نظریه به هژمونی آمریکا و غرب از سویی و سایر کشورها از سوی دیگر می‌پردازد و جهانی‌سازی را به

نوعی به مفهوم تسلط یک نیروی منسجم از سوی قدرت برتر آمریکا و غرب نسبت به جنبش‌های ملی‌گرا و مخالف معنا می‌کند که هدف، تسلط صرفاً منابع طبیعی آن‌ها نیست، بلکه بازارها و منابع انسانی را نیز مد نظر دارد و به عبارتی «جهانی‌سازی» جایگزین مناسبی برای مفهوم مستعمره‌یابی شده است! (حیدری بیگوند، ۱۳۸۶، ش ۱۱۶، ص ۱۶-۱۵).

یک نظریه دیگر هم در تعریف مفهوم جهانی‌سازی وجود دارد که می‌گوید:

هر گاه مقصود این باشد که جهان بر اثر نزدیک‌شدن راه‌ها و فراوانی رسانه‌ها - که در آن واحد، اندیشه‌ای را در سراسر جهان، از طریق اینترنت و ماهواره منتشر می‌کنند، - به یک مجموعه منسجم تبدیل شده و ملت‌ها باید در نقاط مختلف از یک‌دیگر بهره بگیرند و با جهل و فقر و عقب‌ماندگی مبارزه کنند و ترقی و تعالی نصیب همه ملت‌ها شود و به اصطلاح، آنچه هر ملت دارد، در طبق اخلاص گذارد و راه بهره‌گیری از آن را به دیگران بیاموزد، مسلماً با منطق و عقل و خرد سازگار است... در این جهانی‌سازی، اساس استحکام و انسجام را محبت و احترام انسان‌ها و بالابردن سطح زندگی ملت‌های محروم، تشکیل می‌دهد و طبعاً همه ملت‌ها با حفظ هویت خویش، کمالات یک‌دیگر را کسب می‌کنند و جامعه بشری در مجموع رشد می‌کند (هیأت تحریریه، ۱۳۸۲، ش ۴۸، ص ۳-۲).

در حالی که جهانی‌سازی طبق نگاه نخست، اهداف دیگری را هم چون تأمین منافع اقتصادی برخی تراست‌ها و کارتل‌ها را تعقیب می‌کند. معمولاً اصطلاح جهانی‌سازی در ادبیات سیاسی رایج دنیا، با مفهوم اول مترادف است و جریانی است که هدف آن یک‌سان‌سازی جهان در جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی می‌باشد و البته این امر ناشی از سوء استفاده کشورهای سلطه‌گر از فضای ناگزیر جهانی‌شدن دنیاست (سیدیان، ۱۳۹۰، ش ۱۶۸، ص ۱۳۸-۱۳۷).

در مفهوم جهانی‌سازی، بر خلاف جهانی‌شدن - که متضمن نوعی میل و اراده برای پیوستن به جریانی جهانی است - به نوعی مفهوم اجبار نهفته است که البته در این

فرآیند، کشورهای سلطه‌جو به وسیله استفاده از ابزار تبلیغ جهانی‌سازی، می‌توانند بازارهای جدیدی را در اقصی نقاط دنیا تصرف کرده و در نهایت بر حکومت‌های محلی نیز تأثیر گذارده و اعمال نفوذ کنند.

با این‌که:

فرهنگ از مهم‌ترین مؤلفه‌های جهانی‌سازی است که از طریق آن پیوندها برقرار می‌شود، اما بررسی نظرات و منابع مختلف نشان می‌دهد که ماهیت اصلی جهانی‌سازی برخاسته از عوامل اقتصادی است. چنان‌که مارکس و انگلس در سال ۱۹۵۲ پیش‌بینی کرده بودند که صنایع نوین، نه فقط بازار جهانی ایجاد می‌کنند، بلکه نیازمند توسعه دائمی بازار هستند (شکفته، ۱۳۸۷، ش ۱، ص ۱۱).

مهم‌ترین عرصه‌های جهانی‌سازی، آن‌گونه که بیان شد، می‌تواند عرصه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ باشند و البته تمام این‌ها در مجموع تأثیرات انکارناشدنی بر زندگی اجتماعی انسان‌ها از قبیل نوع مسافرت، تفریحات، روابط میان نسل‌های مختلف و... خواهد گذاشت؛ گذشته از این‌ها یکی از بایسته‌های ناگزیر عصر جهانی‌سازی، پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات است که به نوعی تمام جنبه‌های دیگر جهانی‌سازی تحت تأثیر این موضوع قرار دارند و با هم مرتبطند.

رهبر انقلاب از این پروژه جهانی‌سازی که بیش‌تر از ماهیت فرهنگی برخوردار است و هدفش استحاله فرهنگی جوامع می‌باشد، به «تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی» و «ناتوی فرهنگی» تعبیر نموده‌اند و هدف آن را نابودکردن فرهنگ‌های بومی به وسیله «استحاله از درون» می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۷).

جهانی‌سازی به تعبیری پروژه‌ای آمریکایی برای مک‌دونالدی‌کردن جهان قلمداد می‌شود که موجبات ترویج فرهنگ جنسیت‌زدگی و مصرف‌گرایی را فراهم می‌کند و احساس فروپاشی و تضعیف باورهای اعتقادی و فرهنگی و به‌مخاطره‌افتادن هویت فرهنگی جوامع را به همراه دارد.

## امت واحده اسلامی

واژه امت و مشتقاتش ۶۵ مرتبه در قرآن کریم آمده است که ۵۲ مورد آن به شکل مفرد (امت) و ۱۳ مورد آن به صورت جمع (أمم) بوده است (خوشدل، ۱۳۹۹، ش ۱۶، ص ۳۰). امت بر وزن فُعَلَه و از لحاظ لغوی، از ریشه «ا م م» می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵).  
أم در لغت به معنای قصد است. بنابراین، امت به کسانی گفته می شود که قصد مشترک و نظر مشترک دارند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۱۸).

و در اصطلاح به گروهی گفته می شود که در یک ویژگی چون دین، زمان، مکان، نوع یا صنف مشترک و همسان باشند و این ویژگی می تواند اختیاری یا غیر اختیاری باشد. بر این اساس، به پیروان یک دین و آیین، بر اساس همسانی در دین امت می گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶ و الطریحی النجفی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰۸).  
این دانشواژه، بُرد معنایی بسیار وسیعی دارد و می تواند مفاهیم جامعی؛ مثل قوم، قبیله، عشیره و... را در بر بگیرد. اما بار اسلامی آن پررنگ تر است؛ چنان که می دانیم:

منظور از امت اسلام، همه افرادی هستند که در سه محور توحید، نبوت پیامبر و اعتقاد به معاد، هم عقیده اند، اگر ملت ها بر اساس مرزهای جغرافیایی از یکدیگر باز شناخته می شوند، مرز میان امت ها عقیدتی و فکری است (جوان آراسته، ۱۳۹۸، ص ۱۴۶).

آری! امت گروهی از مردم هستند که بیش تر آن ها اصل و منشأشان واحد است و با منافع و آرزوهای یکسان گرد هم جمع شده اند یا به دور امر واحدی مثل دین یا زمان و مکان جمع شده اند (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۵).

امت واحده [نیز] عبارت است از یگانگی و اتحاد مسلمانان و عدم تأثیر مرزبندی های سیاسی و جغرافیایی و مذهبی و... در تفکیک میان این ها به گونه ای که هر مسلمانی که اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ دارد، جزء این امت بوده و همگان باید تلاش کنند تا امت واحده اسلامی بر مبنای اشتراکات میان فرق مختلف مسلمانان ایجاد شود (بیدار و لیالی، ۱۴۰۰، ش ۶۵، ص ۲۲۰).



با این توضیح، آن مفهومی که امروزه از اصطلاح امت واحده اسلامی در ادبیات سیاسی دنیا رایج است، مجموعه‌ای متشکل از تمامی مسلمانان است، فارغ از اختلاف نظرهای مذهبی آنان؛ یعنی به نظر می‌رسد این وحدت بیش‌تر حالت استراتژیکی و هدفمند داشته باشد که در عین آن که گروه‌های مختلف اسلامی لزوماً به وحدت اعتقادی و فقهی نمی‌رسند، اما برای حفظ و گسترش کیان اسلام، ساحت قرآن و اصول مشترک و ثابت اسلامی، از نزاع می‌پرهیزند و ید واحده یا به عبارتی «امت واحده اسلامی» می‌شوند (پیغان، ۱۳۸۰، ش ۱۵، ص ۲۱۰).

قرآن کریم در نه آیه صراحتاً به مفهوم «امت واحده» اشاره کرده است (انبیاء(۲۱): ۹۲؛ نساء(۴): ۱۴۱؛ بقره(۲): ۲۱۳؛ یونس(۱۰): ۱۹؛ زخرف(۴۳): ۳۳؛ هود(۱۱): ۱۱؛ شوری(۴۲): ۸؛ مائده(۵): ۴۸ و نحل(۱۶): ۹۳).

مفهوم «امت واحده اسلامی» با وحدت و اتحاد میان مسلمانان گره خورده و در واقع پیش‌شرط تشکیل امت واحده، ایجاد این پیوستگی و ارتباط میان مسلمانان معتقد به مذاهب مختلف اسلامی است، برای ایجاد یک تشکّل منسجم و قدرتمند که بتواند اهداف و آرمان‌های مشترک‌شان را پیگیری و پیاده نموده و از منافع آنان در شرایط مختلف دفاع کند و در واقع «معیار تمایز آن‌ها از سایر مجموعه‌های بشری، وحدت در ایدئولوژی و اعتقادات» (کعبی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸).

### جهانی‌شدن چالش ایجاد امت واحده

جهانی‌شدن واقعیت دنیای امروز ماست؛ آن‌چنان که شاهد هستیم، در نقاط مختلف کم‌برخوردار یا حتی محروم جهان، رسانه‌های عمومی و فضای سایبر - به عنوان مهم‌ترین ابزار ایجاد جهانی‌سازی - چنان رسوخ کرده‌اند که به راحتی توانسته‌اند فرهنگ‌های بومی را تحت‌الشعاع خود قرار دهند. فرآیندی که تغییرات مهمی را در جهان به دنبال داشته است. توسعه روزافزون رسانه‌های مختلف؛ اعم از شبکه‌های دیجیتال و دنیای مجازی و ماهواره‌ها، دنیای ارتباطات میان جوامع و انسان‌ها را دگرگون ساخته است. طبیعی است که این فرآیند با فرصت‌ها و

تهدیدهایی همراه بوده و خود به عنوان فرصت یا تهدیدی برای امور و مسایل دیگر قلمداد می‌شود.

جهانی‌شدن، همان‌طور که می‌تواند به عنوان یک فرصت استثنایی در اختیار دولت‌ها و ملت‌های اسلامی قرار گیرد تا در سایه مناسبات ایجادشده در جامعه جهانی و گسترش روابط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و رسانه‌ای، تلاش خود را برای ایجاد هم‌بستگی در جهان اسلام و در نهایت پیش‌برد روند تشکیل امت واحده به عمل آورند، می‌تواند یک تهدید مهم هم در این خصوص به شمار آید که در ادامه به آن می‌پردازیم.

### در حوزه فرهنگ

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، در جریان فرآیند جهانی‌شدن، انسان‌ها فارغ از قید و بندهای جغرافیایی، به نوعی هم‌سانی و یگانگی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی می‌رسند و طبیعی است که جریان و سیر اطلاعات و اعتقادات و تصاویر و محتواهای حاوی مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و... از سوی کشورها و جوامع بیش‌تر توسعه‌یافته (یا به اصطلاح جهان اول) که امپراطوری قوی رسانه‌ای را نیز در اختیار دارند، به سوی سایر نقاط جهان گسیل می‌شود و خواه ناخواه با غلبه سلطه‌مآبانه کشورهای قدرتمند، همان پروسه جهانی‌سازی و به نوعی تزریق و تلقین فرهنگ غالب استعماری بر کشورهای کم‌قدرت‌تر شکل می‌گیرد.

طبیعی است که با هجوم فرهنگ غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی کشورهای اروپایی و ایالات متحده به سمت سایر کشورها و از جمله بسیاری از کشورهای اسلامی که از ضعف قدرت رسانه‌ای و ابزارهای پر قدرت تبلیغاتی رنج می‌برند، روند تشکیل امت واحده اسلامی و ایجاد هم‌بستگی و یکی‌شدن فرهنگی و سیاسی و اجتماعی میان ملل اسلامی، دچار دشواری می‌شود.

### در حوزه حقوق بشر

روی‌کرد حقوق بشر غربی مدعی جهان‌شمولی این حقوق بوده و به فرامکانی و

فرازمانی بودن آن صرف نظر از تنوع فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و مذاهب مختلف معتقد است و از این رو، حقوق بشر خودیافته را قابل تعمیم به دیگر نقاط جهان می‌انگارد. روی‌کرد حقوق بشر اسلامی نیز با تأکید بر فطرت خداگونه انسان که وجه اشتراک همگی انبای بشر است، به جهان‌شمولی حقوق بشر و فرازمانی و فرامکانی بودن آن‌ها باور دارد (فلاح‌زاده، ۱۳۹۵، ش ۱، ص ۵۷).

تبلیغات گسترده پیرامون آموزه‌های حقوق بشر غربی، همراه با به‌چالش‌کشاندن برخی احکام حقوقی، فقهی و جزایی اسلام و محکوم‌نمودن جوامع اسلامی در خصوص مسایل حقوق بشری - بدون لحاظ‌کردن مبانی حقوق بشر اسلامی - و تلاش برای جهانی‌سازی فرهنگ حقوق بشر غربی، به عنوان چالشی پیش پای گسترش آموزه‌های حقوق اسلامی و تدوین مقررات آن و اجرای برخی احکامش و در نهایت ایجاد یک نظام فراگیر حقوقی اسلامی در یک تشکیلات دولتی منسجم اسلامی به شمار می‌رود و بعضاً اثر این تبلیغات را در خود جوامع اسلامی نیز به صورت وادادگی در برابر نظام حقوقی غرب شاهد هستیم.

### در حوزه مبانی حکومت

برخی از اندیشمندان بر این باورند که بسط ایده‌های جهانی، متأثر از آموزه‌های سکولار است تا اولاً پایه‌های ایدئولوژیک حکومت‌های اسلامی به چالش فرا خوانده شود و ثانیاً آگاهی‌هایی تازه، غیر از آن آگاهی که مبنای مشروعیت حکومت اسلامی و استمرار آن را در حوزه کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهد، پدید آید. آگاهی‌هایی مانند آگاهی قومی، فرقه‌ای، نژادی که اقتدار سیاسی را به چالش کشیده و در نتیجه، تجزیه کشورهای اسلامی را با عنایت به عوامل غیر دینی، چون قومیت و نژاد، پدید آورد. بر این اساس، جهانی‌شدن تهدیدی جدی برای بسیاری از دولت‌ها و به ویژه دولت‌های ایدئولوژیک اسلامی به شمار می‌آید. جهانی‌شدن با ایجاد تزلزل در پاره‌ای از مسؤولیت‌های دولت و محدودساختن حیطه اختیارات آن، عملاً باعث ایجاد گسست میان دولت و ملت در جوامع اسلامی می‌شود (سامانی مجد؛ حاتمی؛ علوی و حاتمی، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

در نتیجه تضعیف این ارتباط، طبیعی است که میل به تشکیل دولت بزرگ‌تر اسلامی که تلفیقی از دولت‌های متعدد اسلامی موجود است، با همکاری ملت‌های‌شان و ایجاد امت واحده، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود.

### در حوزه اقتصاد

از بعد اقتصادی نیز جهانی‌شدن بر روند وحدت میان کشورهای اسلامی و ایجاد امت واحده تأثیر معکوس دارند. این بعد جهانی‌شدن؛ چنان‌که در دنیا شاهد هستیم، بیش‌تر به دنبال تسلط و غلبه نظام سرمایه‌داری بر سایر بخش‌های جهان است و طبیعتاً تأمین منافع قدرت‌ها و سازمان‌های برتر اقتصادی، در اولویت قرار می‌گیرد. فرآیند جهانی‌شدن امکانات گوناگون و کلانی را برای قدرت‌ها و سازمان‌های تجاری بزرگ فراهم می‌کند، جهت بهره‌کشی اقتصادی از کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه و نهادهایی هم‌چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، ابزارهای قدرتمندی برای پیش‌برد این اهداف هستند؛ به این ترتیب با تضعیف اقتصاد داخلی کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای اسلامی توسط نظام‌های سرمایه‌داری حاکم، روند اتحاد این کشورهای تضعیف‌شده نیز به مشکل بر می‌خورد؛ زیرا دولت‌هایی که از لحاظ اقتصادی حرفی برای گفتن در دنیا ندارند، طبیعتاً در حوزه‌های دیگر نیز هم‌چون فرهنگ و سیاست به راحتی نمی‌توانند به بسیاری از آرمان‌های کلان خود هم‌چون تشکیل امت واحده دست پیدا کنند و هر یک از آنها ممکن است برای حل دشواری‌های اقتصادی داخلی خود، به دنبال برقراری ارتباط با کشورهای اروپایی و آمریکایی باشند تا کشورهایی که از لحاظ موقعیت اقتصادی، وضعیتی شبیه به خودشان دارند.

با توجه به آنچه گفته شد، ملاحظه می‌کنیم که در جریان فرآیند جهانی‌سازی، کشورهای قدرتمند غربی و آمریکا با استفاده از ابزار قوی رسانه و با توجه به قدرت برتر اقتصادی در صدد گسترش فرهنگ و سبک زندگی و روابط اجتماعی از نوع غربی آن و جای‌گزین‌نمودن فرهنگ و ارزش‌های غیر دینی و بعضاً ضد دینی با ارزش‌ها و

آموزه‌ها و باورهای دینی جوامع اسلامی هستند تا با تهی‌نمودن این جوامع از فرهنگ و عقاید بومی - اسلامی، مانع از تشکیل امت واحده اسلامی شده و جریان جهانی‌سازی فرهنگ غربی را به خوبی پیش ببرند، بی شک در بعد اقتصادی نیز تسلط و غلبه نظام سرمایه‌داری، زمینه‌ساز این خواسته آنان می‌باشد.

### در حوزه عقاید دینی

جهانی‌شدن علاوه بر سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ، بر حوزه دین و باورهای مذهبی جوامع گوناگون نیز تأثیرگذار بوده است. جوامع مختلف، هر یک از نظام ارزشی برآمده از سنت‌ها و اعتقادات دینی خاصی برخوردارند، اما این ارزش‌ها در مواجهه با جهانی‌شدن، دچار چالش می‌شوند. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن با ایجاد دگرگونی در جوامع، نوعی بحران هویت را با خود به همراه می‌آورد... در فرآیند جهانی‌شدن، یکی از جلوه‌های بسیار مهم، سر برآوردن رسانه‌های جدید؛ اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای و اهتمام آن‌ها به رشد تک‌فرهنگی جهانی است (میلانی و امینی، ۱۳۹۴، ش ۲، ص ۴۸).

در این شرایط، ارتباط افراد با فرهنگ بومی - اسلامی خود روزبه‌روز سست‌تر می‌شود. حتی در سبک زندگی و معماری شهرهای اسلامی نیز به روشنی این استحاله قابل مشاهده است که تمام این‌ها بر روند تشکیل امتی واحده مبتنی بر ارزش‌های بومی - اسلامی تأثیر معکوس دارد.

البته جهانی‌شدن ذاتاً پدیده‌ای چالش‌گر است؛ به گونه‌ای که بسیاری از مفاهیم کلاسیک هم‌چون نظم، امنیت، حاکمیت ملی، دولت، اقتدار ملی، هویت، فرهنگ و... را دچار نوعی سردرگمی کرده و زمینه را برای تفسیر و بازتعریف آن‌ها فراهم می‌کند و اگر آن را مترادف با جهانی‌سازی نیز بگیریم، به استیلای فرهنگی و نوعی از خودبیگانگی فرهنگی منجر خواهد شد.

آن‌گونه که غرب در صدد استحاله جوامع در حال توسعه از درون بر می‌آید

و نوعی فروپاشی فرهنگی را در آن جوامع، رقم می‌زند (دهشیری، ۱۳۹۶، ش ۱۴، ص ۲۹).

که در نهایت منجر به ازبین‌رفتن بنیادهای اعتقادی فرهنگ‌های بومی در اثر جهانی‌سازی می‌شود.

این در حالی است که برای تشکیل امت واحده اسلامی و ایجاد آمادگی در اتحاد مسلمانان و دولت‌های آن‌ها نیاز به تقویت باورهای اعتقادی دینی و احساس نیاز به ایجاد اتحاد و هم‌گرایی در برابر رسوخ و هجمه فرهنگ‌های ضد اسلامی و ذاتاً استعماری داریم.

رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین ابزار فرآیند جهانی‌شدن و یا به تعبیری جهانی‌سازی، می‌توانند به راحتی بر مفهوم‌سازی، تصمیمات کشورها و حیات اجتماعی و سیاسی و حتی دینی آن‌ها تأثیر بگذارند و علاوه بر انتقال پیام، به الگوسازی نیز دست بزنند و الگوهای سنتی، اعتقادی و بومی را در اذهان جامعه اسلامی کم‌رنگ نموده و در نتیجه آموزه‌هایی که آن الگوهای سنتی مذهبی ترویج می‌نمایند و در منابع اعتقادی مسلمانان نیز موجود است را تضعیف کنند.

قطعاً یکی از این آموزه‌های مهم - که مورد تأکید قرآن کریم نیز می‌باشد - ایجاد تشکیلاتی به نام «امت واحده اسلامی» است که پیش‌شرط آن اتحاد و پیوند و هم‌سانی میان جوامع اسلامی بر سر مشترکات اعتقادی و اهداف اجتماعی است که صد البته این مشترکات و اهداف، در تقابل با آن فرهنگ غالب غربی در حال گسترش و جهانی‌شدن و یا به تعبیر سلطه‌جویانه آن جهانی‌سازی می‌باشد؛ البته این موضوع در عین این‌که یکی از چالش‌ها و تهدیدهای مهم پیش روی ایجاد امت واحده به شمار می‌رود، فرصت فوق‌العاده‌ای را پیش روی همه ادیان و خرده‌فرهنگ‌ها جهت نشر آموزه‌های‌شان قرار می‌دهد و به ملت‌ها و دولت‌های اسلامی نیز یاری می‌رساند که زمینه‌های تشکیل امت واحده اسلامی را تقویت نمایند (چنان‌که پیش‌تر گفتیم).

## راه کارهای حل چالش

پدیده جهانی شدن یا به شکل تحمیلی آن جهانی سازی واقعیتی انکارناپذیر در دنیای امروز است که پیش تر اشاره شد، ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در بر می گیرد و پس از جنگ سرد نیز به صورت جدی در حال پی گیری است. این واقعیت؛ چه ضرورتی تاریخی و خودجوش داشته باشد و چه پروژه ای برنامه ریزی شده و تحمیلی باشد، خواه ناخواه امروزه پیش روی جهانیان و به ویژه کشورهای اسلامی قرار دارد و با دراختیارگرفتن ابزارهای مختلفی هم چون سازمان های تجاری و رسانه های عمومی و... مرزهای جغرافیایی را در نوردیده، اذهان و استعدادها را به تصرف خود در آورده و با بیگانه نمودن مسلمانان از فرهنگ بومی - اسلامی خود و آموزه های وحدت آفرین دینی، مانع مهمی جهت اتحاد جهان اسلام و در نتیجه تشکیل امت واحده اسلامی به شمار می آید، اما این بدان معنا نیست که برای این چالش، راه کار و تمهیدی وجود نداشته باشد. در ادامه به بررسی برخی راه حل ها و راه بردهایی که برای برخورد با پدیده جهانی شدن و به منظور حفظ فرهنگ و هویت اسلامی و در نتیجه ایجاد امت واحده به نظر می رسد، می پردازیم.

## احیا و تقویت فرهنگ اسلامی

به نظر می رسد کشورهای اسلامی برای این که بتوانند در برابر هجوم فرهنگ وارداتی غیر دینی تاب بیاورند، چاره ای جز احیا و تقویت فرهنگ اسلام اصیل و ناب ندارند. فرهنگی که اگر با استفاده از ابزارهای مؤثر هنری و رسانه ای عرضه شود (به عنوان مثال، با بهره گیری از هنر سینما و تئاتر و ادبیات داستانی و شعر و امثال این ها) و مهم تر از آن ها به درستی در جوامع اسلامی به اجرا گذارده شود، می تواند تأثیرات شگرفی در اقبال مردم به سمت فرهنگ اسلامی و روی گردانی آن ها از فرهنگ غیر دینی داشته باشد. به عنوان مثال، یکی از آموزه های مهم و شیرین فرهنگ اسلامی، عدالت خواهی است. اگر این آموزه اصیل اسلامی اولاً به درستی تبیین شود و ثانیاً در جوامع اسلامی و در سه گانه تقنین، اجرا و قضاوت به دقت به موقع اجرا گذارده شود، تأثیر بسزایی در جذب قلوب افراد به سمت فرهنگ اسلامی و علاقه مندی به پیاده شدن احکام آن دارد.

اندیشمندان اسلامی باید مؤلفه‌های اصیل فرهنگ اسلامی را در جوامع خود شناسایی، معرفی و تبیین نمایند و کارگزاران نظام‌های سیاسی اسلامی نیز این دستورالعمل‌ها را با نهایت درستی و راستی به اجرا در آورده و احیا نمایند و به وسیله این تبلیغ کاربردی، عرصه را برای حضور فرهنگ جای‌گزین وارداتی تنگ نمایند.

شهروندان جوامع اسلامی با مشاهده تأثیرات مثبت پیاده‌شدن آموزه‌های دین در جامعه و آشنایی دقیق و عالمانه با این مفاهیم، طبیعی است که انگیزه و تمایل‌شان برای ایجاد یک مرکزیت اسلامی و قدرتمند که جوامع اسلامی حول محور آن قرار گیرند و بتواند مجری احکام اسلامی بوده و از ملت‌های مسلمان یک امت واحده قدرتمند، ذیل آموزه‌های مترقی اسلام ناب بسازد، بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود و به این ترتیب، فضای عمومی جهان اسلام برای تشکیل آن امت واحده آرمانی مهیا می‌گردد.

برای مقابله با چیرگی فرهنگ غالب غربی در جریان جهانی‌شدن و بلکه احیا و گسترش فرهنگ اسلامی، با دست خالی نمی‌توان عمل نمود، بلکه باید ضمن احیای ارزش‌های معنوی به تقویت بنیه علمی و فنی جامعه نیز پرداخت؛ همان‌گونه که در دوران شکوفایی تمدن اسلامی نیز چنین بوده است و این اقدام عظیم، در صورتی محقق می‌شود که اسباب آن فراهم باشد؛ همان‌طور که می‌دانیم علم و محصول آن؛ یعنی تکنولوژی، جدای از فرهنگ نیستند، بلکه با گسترش کالاهای حاصل از پیشرفت علم و تکنولوژی، فرهنگ خاص استفاده از آن کالاها هم از طرف کشورهای تولیدکننده، وارد کشورهای مصرف‌کننده می‌شود و این ورود، دیگر اختیاری نیست؛ چون بشر امروز دیگر نمی‌تواند فارغ از محصولات و کالاهای ناشی از پیشرفت تکنولوژی زندگی کند و مصیبت آن‌جاست که ما خود در تولید علم و تکنولوژی سهم چندانی نداشته باشیم و صرفاً نظاره‌گر باشیم و در این صورت، میوه‌ای که از تکنولوژی وارداتی نصیب ما می‌شود، قطعاً فرهنگ خود را نیز با خود به همراه می‌آورد (مضطرزاده، ۱۳۷۵، ش ۲۴، ص ۱۰۱-۱۰۰).

افزایش رشته‌های دانشگاهی؛ علی‌الخصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی و در رشته‌های علوم پایه و هم‌چنین رشته‌های فنی و نیز بهادادن به نیروهای متخصص و متفکر در رشته‌های مختلف علمی در کشورهای اسلامی نیز گام مؤثری در این مسیر خواهد بود.



## هم‌کاری بیش‌تر جوامع اسلامی با یکدیگر

قطعاً یکی از راه‌کارهای کم‌شدن حجم تأثیرات جهانی‌سازی و کاهش نیازمندی کشورهای در حال توسعه، به کشورهای توسعه‌یافته، تقویت راه‌کارهای هم‌کاری میان جوامع و دول اسلامی است.

برای مثال، سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی - که اغلب کشورهای اسلامی هم از این نعمت برخوردارند - می‌تواند یکی از این زمینه‌ها باشد.

هم‌چنین تأسیس نهادهای مشترک فراملیتی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که بتواند در برابر فشارهای غرب و آمریکا ایستادگی نموده و در عرصه جهانی نقش فعال‌تری را ایفا نماید.

قطعاً قاعده مهم و قرآنی «نفی سبیل»، «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۴)؛ خداوند هرگز راه تسلطی بر کافران علیه مؤمنان نگذاشته است، نیز در این خصوص راه‌گشاست و مستقیماً مؤمنان را از برقراری هرگونه ارتباطی با کفار که منجر به تسلط کافران بر آنان می‌شود (اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و...)، بر حذر می‌دارد؛ طبیعی است که در جامعه جهانی، کشورهای اسلامی نمی‌توانند به صورت جزایری جداگانه و بدون برقراری روابط با سایر دول و ملل زندگی کنند؛ از طرف دیگر، مجاز به برقراری روابط - خواه ناخواه - سلطه‌آمیز با دولت‌های غیر اسلامی هم نیستند، پس راه حل معقول در این خصوص، تقویت روابط در حوزه‌های مختلف با کشورهای مسلمانی است که بدون سوء استفاده و روحیه استعماری و سلطه‌طلبانه با یکدیگر برخورد کرده و هم‌کاری می‌نمایند.

سازمان هم‌کاری اسلامی دقیقاً سازمانی است که با چنین هدفی تأسیس شده است و اهداف آن:

در اتحاد و هم‌بستگی میان کشورهای عضو، هم‌کاری در زمینه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی و سایر زمینه‌ها - یک‌پارچگی جهان اسلام برای حفظ عزت، استقلال و حقوق ملی، جهت‌دهی فعالیت‌ها به سمت حفظ مکان‌های مقدس و حمایت از دفاع مردم فلسطین، تلاش برای

از میان بردن تبعیض نژادی و ایجاد فضای مطلوب برای پیشرفت هم‌کاری میان دولت‌های عضو و سایر کشورها متمرکز گردیده است (پیراسته؛ طبیعی و هرتمنی، ۱۳۸۷، ش ۲۲، ص ۴۹).

طبیعی است هر تلاشی در زمینه تقویت نفوذ این سازمان در نظام داخلی کشورهای عضو می‌تواند گام مؤثری در راستای افزایش هم‌کاری دولت‌های اسلامی و هدایت آن‌ها به سمت و سوی تلاش برای تشکیل دولت مقتدر واحد محسوب گردد. هم‌چنین کشورهای اسلامی به دلیل وجود اشتراکات فراوان در منابع الهام‌بخش، زمینه بالقوه‌ای را برای هم‌گرایی در موضوعات مختلف دارند. یکی از این موارد، هم‌گرایی از طریق کاربست ابزارهای حقوقی به ویژه «تقنین مشترک» می‌باشد. تقنین مشترک می‌تواند به دو صورت بین‌المللی (معاهده) یا داخلی (قانون مصوب پارلمان) صورت پذیرد... این اشتراکات، به گونه‌ای است که می‌توان بر پایه آن، اقدام به تقنین مشترک نمود... تقنین مشترک در موضوع حقوق بشردوستانه، ضمن رفع خلاء حقوقی داخلی کشورهای اسلامی، منافع متعددی را در عرصه حقوق بین‌الملل نصیب ایشان می‌گرداند. هم‌چنین خنثی نمودن تبلیغات نادرست در زمینه احکام اسلام و مسأله اسلام‌هراسی نیز از نتایج این اقدام به حساب می‌آید (حبیب‌نژاد و تسخیری، ۱۳۹۵، ش ۴، ص ۲۹).

این قبیل حرکات به نوبه خود، نقش مهمی در ایجاد آن غایت نهایی که تشکیل امت واحد اسلامی است را دارد.

برپایی گردهمایی‌های اسلامی در سطح کلان و بین‌المللی هم‌چون اجلاس پارلمان‌های کشورهای اسلامی و وجود نهادهایی هم‌چون مجمع فقهی جده که به هم‌گرایی افکار و سیاست‌های دول اسلامی کمک می‌کند نیز تأثیر بسزایی در گسترش مناسبات حسنه میان دولت‌های اسلامی دارند. به عنوان مثال:

نهادینه‌سازی روی‌کرد اعتدال اسلامی، برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی تخصصی برای بحث در مورد مسائل خاص، صدور فتوا طبق اسناد صادره از سوی سازمان هم‌کاری اسلامی و سایر سازمان‌های بین‌المللی

اسلامی و غیر اسلامی، هر زمان که درخواست این کار را داشته باشند، ایجاد مراکز مطالعات اسلامی در برخی مناطق مرکزی خارج از جهان اسلام، هم‌کاری با مراکز موجود برای خدمت به اهداف مجمع، نظارت بر نشریات در مورد اسلام در مناطق تحت پوشش فعالیت مجمع و پاسخ به شبهات، تولید دانش‌نامه‌های فقهی قابل دسترس (سه‌زبانه) که به مسائل معاصر در حوزه‌های مختلف زندگی بپردازد، ایجاد انگیزه برای پردازش فقهی به مسایل و موضوعات روز در مؤسسات علمی و دانشگاه‌ها از طریق شعبه‌های مجمع در سراسر جهان، تهیه بسته‌های قانونی به سه زبان برای موضوعات و مسایل مختلفی که نیازمند تدوین قانون هستند، با رعایت اختلافات مذهبی و فتوای ایشان و نشر آن در جهان اسلام، احیای میراث فقهی اسلامی را می‌توان به عنوان برخی راه‌کارهای مجمع فقهی جده در راستای هم‌گرایی دولت‌ها و ملت‌های اسلامی برشمرد (www.wikivahdat.com).

### کنش‌گری فعال رسانه‌ای در فرآیند جهانی‌شدن

در جهان جهانی‌شده و عصر اطلاعات و بیان Castells، در جامعه شبکه‌ای، ما ناگزیر از تعامل با دیگر فرهنگ‌ها و حوزه‌های مختلف معرفتی هستیم. جهانی‌شدن؛ هم فرصت است و هم تهدید و کشورهای اسلامی نباید به خاطر ترس از تهدیدهای جهانی‌شدن، از فرصت‌های آن که نیاز ضروری همه کشورهای برای رسیدن به توسعه است، چشم‌پوشی کنند. از جمله لوازم ضروری برای ورود فعال و قدرتمند در صحنه جهانی، مجهز شدن جوامع اسلامی به ابزارهای نوین ارتباطی و ماهواره‌ای است و لذا دستیابی به این تکنولوژی‌ها برای افزایش ارتباط و تأثیرگذاری مؤثر بر افکار عمومی، ضروری به نظر می‌آید (سامانی مجلد؛ حاتمی؛ علوی و حاتمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

تحولات دهه‌های اخیر جهان، به روشنی گواهِ نقش تأثیرگذار و پررنگ رسانه‌های شنیداری و دیداری و... بر روند این تحولات و جهت‌دهی به آنهاست.

به عنوان مثال، در جریان وقایعی که از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی در شمال آفریقا و در جهان عرب آغاز شد و برخی از آن‌ها منجر به وقوع انقلاب‌هایی در کشورهای تونس، مصر، یمن و لیبی شد، نمی‌توان نقش تأثیرگذار رسانه‌های الکترونیکی نوین؛ یعنی ماهواره و محیط‌های مجازی الکترونیکی چون شبکه‌های اجتماعی را در کنار عوامل متعدد دیگر چون شکاف‌های طبقاتی، دیکتاتوری حاکمان و آغاز روند دموکراسی‌خواهی مردم منطقه نادیده گرفت (مرادی، ۱۳۹۱، ش ۸۴، ص ۱۱۲).

امروزه رسانه‌ها می‌توانند اذهان را در سیطره خود گرفته با استفاده از انواع تکنیک‌های هنری، تجسمی و... و با تسلط بر تکنولوژی روز، حق را باطل و باطل را حق معرفی کنند و دیدگاه‌های صاحبان خود را به عنوان الگو و خط مشی به جهانیان عرضه نمایند. شکی نیست که امروزه پیروز صحنه رقابت‌های بین‌المللی کسی است که بتواند با استفاده تمام و کمال از این فرصت انبوه به بازنشر گسترده عقاید و آرمان‌ها و اصول خود پردازد و در نزد افکار عمومی بتواند به بهترین شکل از داشته‌های فرهنگی و اعتقادی خود دفاع نموده آن‌ها را جهانی نماید. فرصت فوق‌العاده‌ای که کشورهای اسلامی نیز باید آن را مغتنم شمرده تا می‌توانند از آن در جهت تولید محتوا و نشر عقاید دین جهانی اسلام بهره ببرند و با گسترش کیفی و کمی شبکه‌های صوتی و تصویری خود، علی‌الخصوص شبکه‌های برون‌مرزی توانمند و تأثیرگذار و کنش‌گری فعال در فضای مجازی به تبیین آموزه‌ها و معارف متعالی دین پرداخته و مانع از تزریق و تلقین یک‌سویه آداب و فرهنگ غربی و استیلای بی‌چون و چرای آن بر جوامع اسلامی شوند.

### احیا و تبلیغ حقوق بشر اسلامی

بدون تردید یکی از مهم‌ترین فشارهای حقوقی و سیاسی که امروزه کشورهای اسلامی با آن‌ها مواجه هستند، در بحث مسایل مرتبط با هنجارهای حقوق بشری است و تأثیرات نامطلوب این فشارها در نتیجه فرآیند جهانی شدن، توانایی دولت‌های محلی اسلامی را برای درپیش‌گرفتن اقدامات مستقل در جهت اجرای سیاست‌های خود محدود می‌کند و ممکن است در درازمدت و در اثر این فشارها و تحریم‌های

بین‌المللی، دولت‌های اسلامی ناگزیر شوند در تنظیم معیارهای داخلی خود به جای بهره‌جستن از مبانی و آموزه‌های دینی مشترک در جهان اسلام، از هنجارهای غربی - و چه بسا جهانی‌شده - حقوق بشر بهره بگیرند و این مسأله خود گام مهمی در مسیر دورشدن از تشکیل امت واحده اسلامی بر اساس مبانی دینی است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اساس مبانی غربی که اغلب با اصول و مبانی دین اسلام در تعارض است، تنظیم شده است و از این رو، اجرای تمام اصول آن امکان‌پذیر نیست. صرف نظر از این موضوع، پرونده غرب در زمینه حقوق بشر (از جمله در برخورد با رنگین‌پوستان و مهاجران و...) نشان از این مسأله دارد که پی‌گیری حقوق بشر، تحت تأثیر سیاست‌ها و منافع قدرت‌های بزرگ غربی قرار دارد و در این میان، برخی کشورها و از جمله ایران که مخالف سیاست‌ها و روش‌های جاری نظام بین‌الملل هستند، از سوی غرب به نقض حقوق بشر متهم می‌شوند. کشورهای غربی با هدف زیر سؤال بردن دستاوردهای انقلاب اسلامی و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورها، ایران را به نقض حقوق بشر متهم کرده‌اند، بنابراین، به نظر می‌رسد از بین بردن چالش‌ها در این حوزه به حل تعارضات ایران و غرب در عرصه‌های کلان سیاسی بستگی دارد (چیت‌فروش و صابردوست، ۱۳۹۵، ش ۱، ص ۱۲۳).

با این مقدمه، احیا و تبیین صحیح و اصولی حقوق بشر اسلامی و اصرار بر بکارگیری عادلانه و عالمانه این اصول توسط کشورهای اسلامی و عدم وادادگی در برابر فشارهای وارده در این حوزه و تقویت نهادهایی چون سازمان کنفرانس اسلامی با هدف تأکید بر تبیین و اجرای احکام حقوق بشری اسلامی و سرلوحه قراردادن اعلامیه حقوق بشر اسلامی و افزایش منشورهای اشتراکی حقوق بشری از این دست و تلاش در جهت نقد عالمانه مبانی فکری حقوق بشر غربی از جمله لیبرالیسم، سکولاریسم، اومانیسم، فردگرایی و... توسط دولت‌های اسلامی می‌تواند گام مهم و مؤثری در راستای برخورد با چالش جهانی‌شدن در این خصوص باشد.

اعلامیه قاهره نیز به عنوان سومین سند حقوق بشری سازمان همکاری اسلامی، به نوعی جدیدترین و رسمی‌ترین اعلامیه حقوق بشر اسلامی به شمار می‌آید.

گفتنی است ابتکارهای نوآورانه و حقوق منحصر به فردی چون «همه ابنای بشر را عائله خداوند دانستن» (بند ب، ماده ۱)، «حرمت جنازه انسان و ممنوعیت بی حرمتی نسبت به آن» (بند د، ماده ۲)، «حق انتخاب آزادانه نوع تربیت فرزند» (بند ب، ماده ۷)، «تساوی مردم و حاکم و محکوم در برابر شرع» (بند الف، ماده ۱۹)، «حق بر امر به معروف و نهی از منکر» (بند ب، ماده ۲۲)، «حق بر امنیت دین و ناموس» (بند الف، ماده ۱۸)، «حق بر کسب روزی مشروع» و «ممنوعیت ربا» (ماده ۱۴)، «حق بر استقلال مالی زن» و «حق زن بر حفظ نام و نسب خویش» (بند الف، ماده ۶)، در این سند به چشم می‌خورد که خاص تفکر اسلامی بوده و متناظر آن‌ها در سایر اسناد غربی وجود ندارد (مشهدی و سلمان نوری، ۱۳۹۸، ش ۱۶، ص ۶۰).

### تأکید بر مشترکات مذهبی و دوری‌جستن از اختلافات مذهبی

یکی از مهم‌ترین راه‌کارهایی که می‌تواند تقویت‌کننده وحدت امت اسلام در این وانفسای فرآیند جهانی شدن یا به عبارتی جهانی‌سازی فرهنگ غیر اسلامی یا بعضاً ضد اسلامی باشد، دوری‌جستن از اختلافات و افتراقات مذهبی با تکیه بر اصول مشترک مورد اتفاق مسلمانان جهان می‌باشد. قطعاً یکی از پاشنه آشیل‌های این بحث هم، همین اختلافات می‌باشد که دشمن با شناخت دقیق این موضوع و سرمایه‌گذاری هدفمند در این حوزه، دائماً در حال دمیدن در آتش اختلافات است و از طریق حمایت‌های مالی و رسانه‌ای و سیاسی از مسلمانانی که پرچمدار خصومت و توهین به سایر فرق اسلامی می‌باشند و با بهره‌گیری از تعصبات مذهبی آنان و تلاش در رابطه با ایجاد گروهک‌های متعصب دارای جمود فکری به اصطلاح مذهبی، هم‌چون داعش و طالبان تلاش می‌کند که هیچ‌گاه مسلمانان تبدیل به یک‌یك واحد قدرتمند نشوند. بی‌تردید تأکید بر اصول مشترک و حرمت شرعی قائل شدن برای اهانت به مقدسات سایر مذاهب اسلامی — چنان‌که در

سال‌های اخیر، بسیاری از فقهای شیعه در این خصوص حکم حرمت صادر نموده‌اند - می‌تواند گام مهم، ارزنده و تأثیرگذاری در مسیر ایجاد وحدت اسلامی، تشکیل امت واحده و در نهایت ذوب‌نشدن کشورهای اسلامی در فرآیند جهانی‌شدن باشد. بی‌شک مواضع پر قدرتی که برخی تأثیرگذاران شاخص جهان اسلام از جمله رهبر جمهوری اسلامی ایران در خصوص مقابله با هتک حرمت مقدسات مذاهب مختلف اسلامی و صدور حکم حرمت در این خصوص، اتخاذ نموده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آن‌چنان که ایشان در پیامی که به حجاج خانه خدا در سال ۹۲ فرستادند، بیان کردند:

این‌جانب هم‌چون بسیاری از علمای اسلام و دل‌سوزان امت اسلامی بار دیگر اعلام می‌کنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی شود، خدمت به اردوگاه کفر، خیانت به اسلام و حرام شرعی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۷/۲۲).

چنان‌که از شواهد تاریخی نیز بر می‌آید «عدم توفیق مسلمانان در جهانی‌ساختن دین اسلام به شکل ملموس، محصول نزاع‌های درون‌دینی در قرون اولیه ظهور اسلام است» (رفیعی، ۱۳۸۷، ش ۶، ص ۱۲۴) و در واقع می‌توان گفت تداوم همین منازعات بود که تمدن نوپای اسلامی را از آن عصر زرین اسلامی خود دور کرد.

خداوند نیز در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران از «الفت میان قلوب»، به عنوان نعمت یاد کرده است:

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد... .

و در مقابل، در آیه ۴۶ سوره مبارکه انفال، تنازع و اختلاف را مایه «تضعیف قوا» و ایجاد ضعف و کسالت معرفی می‌کند:

و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید که سست شوید و قدرت و شوکت شما از میان برود.

حضرت علی ۷ نیز در بخش‌های مختلفی از خطبه قاصعه توجه مردم را به سرگذشت امت‌های گذشته جلب می‌کند و ایشان را به دقت در علل ضعف یا تعالی آنان فرا می‌خواند و به دنبال آن، دو عامل مهم «اتحاد» و «تفرقه» را به عنوان عوامل اصلی تعالی و سقوط نظام‌های اجتماعی و سیاسی امت‌های پیشین معرفی می‌نماید:

در شرح حال مؤمنان پیشین تدبر کنید که در حال آزمایش و امتحان چگونه بودند! آیا بیش از همه، مشکلات بر دوش آنان نبود؟ و آیا بیش از همه مردم در شدت و زحمت نبودند؟ و آیا از همه جهانیان در تنگنای بیش‌تری قرار نداشتند؟ فرعون‌ها آنان را برده خویش ساخته بودند و همواره آن‌ها را در بدترین شکنجه‌ها قرار می‌دادند... بنگرید آن‌ها چگونه بودند، هنگامی که جمعیت‌هاشان متحد، خواسته‌ها متفق، قلب‌ها و اندیشه‌ها معتدل، دست‌ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری‌کننده یک‌دیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و مقصودهاشان یکی بود، آیا آن‌ها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند؟ و آیا زمام‌دار و رئیس همه جهانیان نشدند؟ از آن طرف به پایان کار آنان نیز نگاه کنید؛ آن هنگامی که پراکندگی در میان آن‌ها واقع شد، الفت‌شان به تشتت گرایید، اهداف و دل‌ها اختلاف پیدا کرد، به گروه‌های متعددی تقسیم شدند و در عین پراکندگی، با هم به نبرد پرداختند، (در این هنگام بود) که خدا لباس کرامت و عزت را از تن‌شان بیرون کرد و وسعت نعمت را از آنان سلب نمود، تنها آنچه از آنان باقی مانده سرگذشت آنان است که در بین شما به گونه‌ی درس عبرتی برای آن‌ها که بخواهند عبرت گیرند، دیده می‌شود (آشتیانی و امامی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۳-۴۶۲).

با این اوصاف، اگر خود مسلمانان اجازه ندهند اختلافات مذهبی، از درون متلاشی‌شان نماید، می‌توانند منسجم و مستحکم در برابر امواج جهانی‌شدن و به نوعی وادادگی در برابر فرهنگ وارداتی مغرب‌زمین مقاومت کنند و از این تهدید نیز به سلامت عبور نمایند.

بحث «تقریب مذاهب» که علی‌الخصوص در دهه‌های اخیر پررنگ‌تر شده نیز به



این مهم می‌پردازد و هدف نهایی آن، رسیدن به آن وفاق و یکدلی آرمانی در میان فرق مختلف اسلامی است.

تصور برخی بر این است که راه تقریب از اختلافی برخی اعتقادات یا عقب‌نشینی از آن‌ها می‌گذرد؛ در حالی که هر چه انسان اعتقادات مذهبی‌اش را برجسته‌تر مطرح کند، تقریب مذاهب فرصت بیش‌تر و بهتری برای اعتقادات مسلم است، نه اعتقادانگاشته‌هایی که تصور می‌کنیم اعتقادند (مبلغی، ۱۳۹۰، ش ۱۰۴، ص ۱۴).

### نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که امروزه فرآیند جهانی‌شدن و به تعبیر سلطه‌طلبانه آن جهانی‌سازی، روندی غیر قابل اجتناب است که سعی در یک‌سان‌سازی فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف و تلقین فرهنگ کشورهای توسعه‌یافته غربی و آمریکا به سایر کشورها و هویت‌ها دارد، این مسأله به عنوان تهدیدی جدی برای شکل‌گیری اجتماع واحدی از مسلمانان تحت عنوان «امت واحده» به شمار می‌رود و چالش‌های عدیده‌ای را در این خصوص ایجاد کرده است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: تهی‌سازی مسلمانان از فرهنگ اصیل بومی - اسلامی‌شان با استفاده از امپراطوری قوی رسانه‌ای غرب، تهاجم به باورهای اعتقادی و به‌بارآوردن نوعی بحران هویت برای جوامع اسلامی، تغییر مفاهیم مربوط به سبک زندگی و روابط اجتماعی مسلمانان، نفوذ بر تصمیمات دولت‌های اسلامی و تأثیرگذاری بر حیات سیاسی و اجتماعی آنان، تبلیغ آموزه‌های حقوق بشری غربی و به‌چالش‌کشاندن بسیاری از احکام جزایی و فقهی اسلام با این اهرم، ترویج آموزه‌های سکولار و سست‌کردن پایه‌های مشروعیت حکومت اسلامی در اذهان عمومی جامعه، غلبه نظام سرمایه‌داری بر سایر بخش‌های جهان، همراه با بهره‌کشی اقتصادی از کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه در جهت پیش‌برد اهداف دولت‌های قدرتمند و در نتیجه پیشرفت روند جهانی‌سازی و مقابله با ایجاد یک تشکل منسجم از مسلمانان به عنوان امت واحده.

برای برون‌رفت از این قبیل تهدیدات جهانی‌سازی در قبال شکل‌گیری امت واحده، راه‌کارهایی تحت عناوین زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. احیا و تقویت فرهنگ اسلامی.
۲. کنش‌گری فعال رسانه‌ای در فرآیند جهانی‌شدن.
۳. هم‌کاری بیش‌تر جوامع اسلامی با یک‌دیگر.
۴. احیا و تبلیغ حقوق بشر اسلامی.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آب‌نیکو، حسن، «نسبت جهانی‌شدن و عدالت در اندیشه سیاسی آنتونی گیدنز و امانوئل و والرشتاین»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، ش ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۴. آذری‌نژاد، اسماعیل، «جهانی‌شدن»، مبلغان، ش ۶۸، تیر و مرداد ۱۳۸۴.
۵. آشتیانی، محمدرضا و امامی، محمدجعفر، ترجمه نهج البلاغه، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب ۷، چ ۷، ۱۳۹۰.
۶. اسعدی، ابو حیب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دمشق: دارالفکر، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۷. الطریحی النجفی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، تهران: مکتبه المرتضویه، چ ۳، ۱۳۷۵.
۸. بیدار، اسماعیل و لیالی، محمدعلی، «رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۶۵، تابستان ۱۴۰۰.
۹. پیراسته، حسین؛ طیبی، سیدکمیل و هرتمنی، امیر، «بلوک‌بندی اقتصادی در فرآیند تشکیل بازار مشترک اسلامی با تأکید بر بخش کشاورزی»، دانش و توسعه، ش ۲۲، بهار ۱۳۸۷.
۱۰. پیغان، نعمت‌الله، «امت واحده؛ از هم‌گرایی تا واگرایی»، علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم ۷، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۰.
۱۱. جوان آراسته، حسین، حقوق اساسی ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
۱۲. چیت‌فروش، سجاد و صابردوست، مهناز، «چالش‌های ایران و غرب در حوزه حقوق بشر، با روی‌کردی فکری و سیاسی»، مطالعات دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

۱۳. حبیب‌نژاد، سیداحمد و تسخیری، محمدصالح، «تقنین مشترک کشورهای اسلامی در حوزه حقوق بشر دوستانه»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۴، اسفند ۱۳۹۵.
۱۴. حیدری بیگوند، فریبا، «روی‌کردهای گوناگون به مقوله جهانی‌سازی»، تازه‌های اقتصاد، ش ۱۱۶، تابستان ۱۳۸۶.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸: www.khamenei.ir.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۵/۲۲: www.khamenei.ir.
۱۷. خوشدل، حسین، «بازشناسی معنای امت واحده با تأکید بر آیه (ولو شاء ربک لجعل الناس امة واحدة ولا یزالون مختلفین (هود/۱۱۸))»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۱۸. دهشیری، محمدرضا، «انقلاب اسلامی و جهانی‌شدن: از نظریه تا عمل»، اندیشه سیاسی در اسلام، ش ۱۴، زمستان ۱۳۹۶.
۱۹. رابرتسون، رونالد، جهانی‌شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، تهران: ثالث، چ ۴، ۱۳۹۳.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد المعروف، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. رفیعی، محمدحسین، «نقش قدرت‌های سیاسی در گسترش اختلافات مذهبی»، مطالعات فقه تربیتی، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۲۲. زارعی، بهادر، مجموعه مقالات جهانی‌شدن، تهران: پژوهشکده مطالعات راه‌بردی سازمان آموزش و پرورش تهران، ۱۳۸۲.
۲۳. سامانی مجد، امیرمسعود؛ حاتمی، مجتبی؛ علوی، مهریار و حاتمی، حسین، «فرآیند جهانی‌شدن و بررسی چالش‌های آن در کشورهای جهان سوم»، کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری، دوره پنجم، ۱۳۹۴.
۲۴. سریع‌القلم، محمود، «سه اصل مهم تربیتی در عصر جهانی‌شدن»، رشد معلم، ش ۲۶۲، دی ۱۳۹۰.
۲۵. سلیمی، حسین، «جهانی‌شدن به مثابه نگرش متفاوت و آگاهی نو (بررسی اندیشه‌های رونالد رابرتسون)»، بازیافت شده از: rasehoon.net، ۱۳۸۷.
۲۶. سیدیان، مهدی، «جهانی‌شدن و جهانی‌سازی اسلامی»، معرفت، ش ۱۶۸، آذر ۱۳۹۰.
۲۷. سیفی آتشگاه، بابک، «فرآیند جهانی‌شدن و حقوق شهروندی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، ش ۳، زمستان ۱۳۹۷.

۲۸. شکفته، مریم، «جهانی‌سازی و جامعه‌اطلاعاتی»، اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، ش ۱۱، شهریور ۱۳۸۷.
۲۹. علی‌دادی، معصومه، «جهانی‌شدن»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۵۵، فروردین ۱۳۹۰.
۳۰. فلاح‌زاده، علی‌محمد و موسوی، سیدطه، «حقوق بشر اسلامی و مقایسه با حقوق بشر غربی، جهان‌شمولی با نسبی‌گرایی؛ تحلیلی در راستای نقد»، روشنفکری دینی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۳۱. قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. کاظمی‌زاد، مظفر، «رویکرد نوین به مفهوم جهانی‌شدن از دیدگاه جغرافیای طبیعی»، اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، ش ۸۴، زمستان ۱۳۹۱.
۳۳. کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۳۴. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی، چ ۲، ۱۳۸۷.
۳۵. مبلغی، احمد، «تقریب مذاهب، ابزار سیاسی یا اصل اساسی»، زمانه، ش ۱۰۴، آبان ۱۳۹۰.
۳۶. مرادی، حجت‌الله و بیات، مهدی، «نقش رسانه‌های نوین در روند انقلاب‌ها، مطالعه موردی موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی»، مطالعات عملیات روانی، ش ۸۴، تابستان ۱۳۹۱.
۳۷. مشهدی، علی و سلمان نوری، مهسا، «نقدی بر اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره پیرامون حقوق بشر در اسلام: نقدی بر خلاء مبانی یا سایه سنگین الگوی غربی؟»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳۸. مضطرزاده، فتح‌الله، «فرهنگ و احیای ارزش‌های اسلامی»، نامه فرهنگ، ش ۲۴، زمستان ۱۳۷۵.
۳۹. میلانی، جمیل و امینی، علی، «جهانی‌شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامی (نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی جهان اسلام در فرآیند جهانی‌شدن رسانه‌ها»، مطالعات رسانه و امت، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۴۰. نقیب‌زاده، احمد، «نظم، اخلاق، آموزش و پرورش در عصر جهانی‌شدن»، رشد معلم، ش ۲۶۲، دی ۱۳۹۰.
۴۱. هیأت تحریریه، «جهانی‌سازی»، کلام اسلامی، ش ۴۸، زمستان ۱۳۸۲.